

۱۳۹۸۲۹۹
۹۵/۱/۱۸

توانا بود هر که دانا بود

باز خورد پایانی

راهنمای معلم در

تکمیل گزارش پیشرفت تحصیلی - ترمیمی (۲۰ نامه) دوره ابتدایی

بهمن قره داغی

بازخورد پایانی

راهنمای معلم در تکمیل گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی دوره ابتدایی

نویسنده: بهمن قره داغی

ناشر: انتشارات زنده اندیشان

با همکاری انتشارات کوروش چاپ

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتشارات گردوی دانش

طراحی و صفحه آرایی: حسین سلیمانی

حروفچین: زیبا مولودی

اجرا: سرچشمه اندیشه تبلیغ

بها: ۱۳۰۰۰ تومان

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه - نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۴

حق چاپ: ای انتشارات زنده اندیشان محفوظ است

تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۱۴۳۱۱۱۵ - ۰۲۱۷۷۶۸۵۱۹۶ - ۰۲۱۷۷۶۸۵۱۶۴



www.endeshanpublishing.com

سرشناسه: قره داغی، بهمن، ۱۳۵۰

عنوان: راهنمای معلم در تکمیل گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی

نام: دوره ابتدایی / بهمن قره داغی

موضوع: آموزش ابتدایی

مسئله: آموزش ابتدایی: ۱۳۴ ص. مصور، جدول، نمودار. ۲۹x۲۲ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۵۳۳-۸-۹

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

موضوع: آموزش ابتدایی - ایران - ارزشیابی

موضوع: شاگردان - ایران - ارزشیابی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴/۱۵۵۶

رده بندی دیویی: ۳۷۲/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۶۷۳۳۳



فهرست مطالب

۵ به جای دیباچه

۹ مقدمه

فصل اول: باز خورد پایانی

۱۵ مقدمه

۱۵ باز خورد چیست و چه جایگاهی در نظریه‌های یادگیری دارد؟

۱۶ باز خورد در نظریه‌های یادگیری رفتار گرایان

۱۶ باز خورد در نظریه‌های یادگیری شناختی - رفتاری

۱۶ باز خورد در نظریه‌های یادگیری سازنده گرایی

۱۷ باز خورد پایانی چیست؟

۱۷ مخاطب باز خورد پایانی؟

۱۷ روش‌های آموزش

۱۷ ارزشیابی

۱۸ (ج) سایرین

۱۸ ویژگی‌های توصیف عملکرد در باز خورد پایانی (فرم الف)

۱۹ پیش‌نیازهای اصلی باز خورد پایانی

فصل دوم: راهنمای تکمیل نمون برگ (الف) و (ب) گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی

۲۳ مقدمه

۲۴ توصیف عملکرد

۲۷ قابلیت‌ها، توانایی‌ها و قوت‌ها

۲۸ ضعف‌ها با احتیاط لازم

۲۸ رهنمودها و توصیه‌ها

۳۰ برخی از توصیه‌های عمومی

۳۰ راهنمای تکمیل نمون برگ (ب) کارنامه تحصیلی - تربیتی

۳۱ راهنمای تکمیل نمون برگ (الف) گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی در پایه اول

۳۴ راهنمای تکمیل نمون برگ (الف) گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی در پایه دوم

۳۸ راهنمای تکمیل نمون برگ (الف) گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی در پایه سوم

۴۲ راهنمای تکمیل نمون برگ (الف) گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی در پایه چهارم

۴۶ راهنمای تکمیل نمون برگ (الف) گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی در پایه پنجم

۵۰ راهنمای تکمیل نمون برگ (الف) گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی در پایه ششم

فصل سوم: تجزیه و تحلیل بازخوردهای پایانی معلمان

۵۹ مقدمه

۹۹ چند نمونه گزارش پیشرفت تحصیلی (کارنامه) از سایر کشورها

فصل چهارم: قوانین و مقررات مربوط به بازخورد پایانی

۱۱۳ مقدمه

۱۱۶ الف) سایر مستندات مربوط به شیوه و تکمیل گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی

۱۱۷ ب) آیین‌نامه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی - تربیتی دوره ابتدایی

۱۲۲ منابع

دیرزمانی است که «زندگی مدرسه‌ای» را با تب رقابت جاه‌طلبانه، جایگزین «مدرسه زندگی» عاشقانه کرده‌ایم. و نام آن را «آموزش و پرورش» عالمانه گذاشته‌ایم.

به جای دیباچه زبانی برای فهمیدن!

— بابا، باباجان، حاضر شدی برویم؟

— کجا؟

— گفتم که، باید برویم مدرسه؛ امروز کارنامه‌ها را می‌دهند.

باشه چشم، حالا حاضر می‌شوم. شما با مادرت بروید پارکینگ، من هم می‌آم.

کارنامه... کارنامه... چقدر زمانه عوض شده! وقتی من به سن و سال «اها را» می‌گویم - بودم بالینکه اگر نفر اول کلاس نبودم، نفر دوم که حتماً بودم؛ اما باز در روز ارائه کارنامه، سراسر تن جان را، اضطراب آویزان بود...
«هه (زنگ موبایلم نخوانده ذهن مرا مچاله کرد!)»

— بله

— باباجان! دیرمون می‌شه ها...!

— آمدم...

لباسم را پوشیدم و رفتم جلو آینه تا چند تار موی باقی مانده‌ی چاق و لاغر و سیاه و سفیدم را منظم کنم. هر وقت مقابل آینه قرار می‌گیرم، انگار تمام روزهای چهل و چهار سال عمر پس پشت نهاده، روی سرم آوار می‌شوند. آدمی زاده، چه هستی موقت کوتاهی، در این دوار ناچیز معلق دارد. تا با رنج بسیار و تلاشی پر از خستگی، در مسیر خواستنی‌های دوست‌داشتنی دور از دسترس، قرار می‌گیری، در عین ناباوری، تابلوهای مسیر، مقصدی نخواستنی به نام پایان زندگی، نشانت می‌دهند. چه حکایت تلخ عربانی!

نمی‌دانم از چه، تازگی‌ها هر وقت رو در روی آینه قرار می‌گیرم، آنچه بیش از هر چیز نظرم را جلب می‌کند، رد روشنائی سپیدی، در سیاهی موی سرم است، که سبز فروردینی خودنمایی می‌کند. لذا خیلی وقت‌ها، ناخودآگاه با خود تکرار می‌کنم: «نه این برف را، دیگر سرباز ایستادن نیست، برفی که بر ابروی و موی ما می‌نشیند...» یا گاهی با صدایی بلند می‌خوانم:

۱. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۱). اندیشه‌های وارونه از فرزندگان دیوانه. انتشارات فدایانی. ص ۳۶.
۲. شاملو، احمد (۱۳۸۰). مجموعه آثار. دفتر یکم. شعرها. تهران انتشارات زمانه و نگاه.

«می‌بینم صورتم و تو آینه، بالایی بسته می‌پرسم از خودم، این غریبه کیه از من چی میخاد...» گرچه خوب می‌دانم که تنها در سایه‌سار این برفینگی پررمزوراز و پرهراس است که می‌توانم، معنای ژرف بسیاری ازبایدها و نبایدهای زندگی و حتی بدخلقی‌های مادربزرگ نامیرایم را، خوب درک کنم.

وای مادربزرگ... نمی‌دانم چرا هر وقت تصویری از او، عابر خلوت خیالم می‌گردد، سخت‌دل‌م تنگ می‌شود. - سنگ که نیستم، حتی گاهی گریه هم می‌کنم و اشک می‌ریزم. گریه «الماس عاطفه را صیقل می‌دهد». گریستن تنها و صمیمانه گریستن را، مادرم به من آموخت. همان زنی که بعد از کوچ تلخ پدر، نتوانستن در نهان او خانه نکرد و هیچ‌گاه، هیچ‌کس را به‌سوی اسارت و درماندگی، جهل و خرافه، زبونی و حقارت، تملق و تزویر، آموزگار نبود! ازاین‌روی گریستنی که روح را زلالی می‌بخشد و آرام می‌سازد، دوست‌تر نیز می‌دارم.

سال‌های بچگی، یعنی همان سال‌های پرآشوب و پرغوغا که مصادف بود با درگیری‌های داخلی و سپس جنگ ایران و عراق و... در بیمارستان بیجار^۱، پزشکی بود که پوست، زبان، مذهب، پوشش، سبک زندگی و خلاصه همه‌چیزش، با اهل منطقه متفاوت بود؛ اما آنچه جالب بود اینکه، باکسی که نه، با هیچ‌کس مشکلی نداشت. حتی جایگاه خاصی، نزد اهل ریاست تا کسبه را داشت. تنها آنجاست، بیش از هر چیز ردش در خاطرم ماندگار است، اینکه مادربزرگم از او ناراضی بود. دلیل آن‌هم این بود که وقتی برای درمان بیماری فشارخونش، به درمانگاه مراجعه می‌کرد، زمانی که برمی‌گشت، هی با خودش بلندبلند این عبارات را به زبان‌کردی تکرار می‌کرد:

«من نمی‌فهمم کمی مشکل داری... کمی فشارت بالاست! چه گلی به سر سلامتی من می‌زنه! معلومه که فشارم بالاست، پس برای چی پیشت آمده...» خراب بود من بگو، چکار کنم تا فشارم پایین بیاید؟ هرروز کیلوی گچ (قرص‌های تجویزی دکتر کبیر را می‌گفت) کولم می‌کنم. معالیم خوب هم نمی‌شوم...»

مادربزرگ برخلاف پدربزرگ، خیال نمی‌کرد آینه از پزشک، قرص بیشتری برایش بنویسد، بیشتر زنده می‌ماند. کمی که بزرگ‌تر شدم، فهمیدم که مشکل چیست. نه مادرین، گوی من، فارسی سخن گفتن را بلد بود و نه آن پزشک اردو زبان پاکستانی، نتیجه‌اش معلوم بود، بی‌آنکه فهم واحدی، از خراسته‌های طرفین حاصل گردد، مشکل همچنان باقی می‌ماند. گرچه همیشه هر وقت این ماجرا، شعله‌اش بالا می‌گرفت، تنها آب برافشان، مادرم بود که می‌گفت: حالا خودم می‌روم پیش دکتر «کبیر!». من این رفتن را دوست داشتم! جلوتر از او شال و کلاه می‌پوشاندم و جلو درب منزل، منتظر می‌ماندم. درمانگاه خلوت بود و دکتر کبیر هم آشنا. پیشش می‌رفتم و مادر، کج دار و مریز، حرفش را به من می‌فهماند و سپس، به‌قدر لازم از او دستور و توصیه می‌گرفت و با اطلاعات خود، یکی می‌کرد و درنهایت «هفته‌بیجان» از توصیه‌ها و تأکیدات به نام «دکتر کبیر» تحویل مادربزرگ می‌گردید.

«من رفتنم پیش دکتر «کبیر»! او به شما سلام رسانید. گفت به شما بگویم: آب زیاد بخور، نمک باید نخوری، قند و سرخ‌کردنی خیلی کم بخوری. تأکید کرد تا می‌تونی پیاده‌روی باید بکنی...»

خلاصه کلی نخوری و بخوری، نکنی و بکنی از قول او تحویلش می‌داد. مادربزرگ خیالش که آرام می‌گرفت، باز همان حکایت همیشگی. دستش را دور گردنم حلقه می‌زد. من می‌خزیدم بغل مادربزرگ- درست مثل اینکه جوجه کبوتری زیر بال مادرش جا خوش کند - بعد با حرارت خاصی می‌گفت:

۱. می‌بینم صورتم تو آینه، بالایی خسته می‌پرسم از خودم: این غریبه کیه؟ از من چی می‌خواه؟ اون به من یا من به اون خیره شدم؟ باورم نمیشه هر چی می‌بینم، چشامو به لحظه رو هم می‌دارم، به خودم می‌گم که این صورتم، می‌تونم از صورتم ورش دارم! می‌کنم دستمو روی صورتم، هر چی باید بدونم دستام می‌گه، منو تو آینه نشون می‌ده، می‌گه: این تو ای، نه هیچ کس دیگه! جای پاهای تموم قصه‌ها، رنگ غریب تو تموم لحظه‌ها، مونده روی صورتت تا بدونی، حالا امروز چی ازت مونده به جا! آینه می‌گه: تو همونی که به روز، می‌خواستی خورشیدو با دست بگیری، ولی امروز شهر شب خونه‌ت شده، داری بی‌صدا تو قلیت می‌میری! می‌شکنم آینه رو تا دوباره، نخواد از گذشته‌ها حرف بزنه! آینه می‌شکنه هزار تیکه می‌شه، اما باز تو هر تیکه‌ش عکس منه! عکسا با دهن کجی بهم می‌گن: چشم امیند و بیر از آسمون! روزا با هم دیگه فرقی ندارن، بوی کهنگی می‌دن تمومشون! (شاعر: اردلان سرفراز. خواننده: فرهاد مهراد)

۲. ابراهیمی، نادر. بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم.

۳. بیجار یکی از شهرهای استان کردستان، و از قدیمی‌ترین شهرهای ایران است. بیجار در گذشته مرکز ولایت گروس بوده است. این شهر با ۱۹۴۰ متر ارتفاع از سطح دریا، از مرتفع‌ترین شهرهای ایران به حساب می‌آید. (منبع: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد)

۴. یعنی دست به عصا رفتن؛ کنایه از رفتار یا احتیاط بخاطر شرایط موجود. مردم آن را با مریضی مرتبط می‌دانند. به معنای اینکه ظرف را کج نگه دار و در عین حال مواظب باش که نریزد و نسبتی با مریضی ندارد. بیارب تو جمال آن مه مهرانگیز آراسته‌ای به سنبل عنبرینیز / پس حکم همی کنی که در وی منکر این حکم چنان بود که کج دار و مریز / منسوب به خیام

«تو نیسهی حسعلی خانگی - پدر پدر بزرگم را می گفت - رگ و ریشه ات معلوم است، بی عرضه که نیستی! از این پاکستانی ها هم که کمتر نیستی! درست را بخوان و دکتر شو (منظورش پزشک بود) تا دیگر به من و بی بی، مستوره، هاجر، کاعباس و کاذوالفقار، یکی باشه روشن و شفاف و درست و دقیق بگه: شما چه مرگتونه، چه بکین و چه نکنین ...»

حیف وقتی من بزرگ شدم در مانگه و بیمارستان، دیگر حتی خاطره ی «دکتر کبیر» را از یاد برده بود و پزشک پاکستانی شده بود، پزشک محلی! که هم زبان مادر بزرگ را می دانست و هم مادر بزرگ او را می توانست بفهمد، اما نه مادر بزرگ بود و نه بی بی و نه کاعباس، نه ...

مدرسه هم که آمدم دیدم معلم من، نه پاکستانی است و نه زبانش اردو؛ معلم من، زبان ملی و محلی را خداست؛ اما من زبانش را نمی فهمیدم! در نتیجه وقتی با رفتارهایش تحقیر می شدم، وقتی دلم از باز خورد هایش، ابری می شد و دو چشمم بارانی، همان سبک و سیاق مادر بزرگ را در پیش می گرفتم:

یعنی من نیز نمی فهمیدم که مثلاً نمره ۵، ۶، ۹ ... یعنی چه مقدار یاد گرفته ام و چه چیزی باید یاد بگیرم با آن نمرات می توانستند به خانواده ام بفهمانند که چه وظیفه ای در قبال اصلاح و بهبود یادگیری من، در درس قرآن و املا و ... دارند. ای کاش، کاشکی معلم درک می کرد که وقتی به من می گفت: «۱۳ نمره توست؟ نمره ۱۵ واقعاً خجالت داره! با این هوش و حواسی که توداری، هزار بج ...» چرا آب رگاری، آن وقت به درس و مشقت که می رسی، بیماری ... «چه هیاهویی در من جاری می کرد. یا مثلاً «بیشتر دقت کن» یعنی باید چکار بکنم؛ یا وقتی کلماتی از این دست، روی روانم، رگبار می گرفت که «حیف نان تنها کاغذ ضایع کردن بی ...» به کمک به یادگیری من می کرد؟ یا گاهی به خشم و چیزی شبیه نفرت حکم می کرد که «دودست و یک پایت را تا ...» سر زدن یک جلو بچه ها بالا بگیر و ... «چه انقلابی در جهت اصلاح یادگیری من می نمود؟ گاهی دلم می خواست قدرتی می داشتم تا آب او نهمانم که دیشبش تا نصف شب و حتی عصر کارتن «آنشرلی، دختری با موهای قرمز» را که بسیار دوست می داشتم، به خطر ... همین درس تاریخ لعنتی، که تنها باید «پشت سر مرده ها» حرف ردیف کنی و هیچ کمکی و به ساختن فردها ایم، نمی کند نگاه نکرد و درس خواندم و درس خواندم تا توانستم نمره ۱۵ بگیرم. حالا اگر نمی توانم از کوروش جلو بزنم، اینکه نمی توانم ... تن من - به جان شما - همین است. کاش می توانستم پرسیم: آیا شما می دانید نقطه شروع یادگیری من کجاست؟ آیا می دانید چرا از ... ش و حواسم، برای درس و مدرسه استفاده نمی کنم؟ آیا می دانید ... و این آرزو به دلم ماند که ای کاش معلم می توانست همانند ...، همانی که هستم. یا کاش ای کاش من زبان این طایفه را بلد می بودم. کاشکی زبانی برای فهمیدن، غیر از زبان کمی کنگ ... و نه و بی پنجره، همراه این جماعت می بود! ای کاش ...

اینک سی سال از آن روزهای مه گرفته ی دبستانی، گذشته است و باز در عین ناباوری ... سی که همه چیز نو شده و همه گونه رشد فناوری و ... اتفاق افتاده است اما در این دنیای در حال تغییر، به برخی از مدرسه ها که وارد می شوید، انگاری به دهکده ی «اویمیاکن»^۱ وارد شده ای با این تفاوت که «زمان» در اینجا یخ زده و هیچ چیز تغییر نمی کند؛ یعنی بازمی بینم، حکایت سی چهل سال پیش، همچنان باقی است. معلمانی می بینم که آینه وار، تصویر معلم های نسل مرا و نسل مادر بزرگم را بازمی تابانند:

«هلیا ق. ق؛ چرا درس نمی خونی، بدبخت می شوی؛ الناز، ن.ت، ابله بیشتر تلاش کن؛ سپتناخ خ آفرین؛ سروش دقت کن ...»

اما من تمام الگوی معلمی ام را، از یک بهیار آموختم. دانش آموز دانشسرای مقدماتی بودم. روزی دل درد داشتم. رفتم اورژانس بیمارستان، هنوز پزشک از خواب دوشینش بیدار نشده بود! بهیاری آنجا بود که مرا می شناخت. پیشش رفتم و گفتم دلم درد می کند. او از دو روز پیش، چه خورده بودم و چه پوشیده بودم و کی خوابیده بودم، سابقه ی بیماری داشتم نداشتم، و ... همه و همه را از من پرسید، کنترل هایی کرد و ... بعد دست برد شرتی که اسمش را به خاطر ندارم به من داد و گفت: «روزی

۱. دهکده Oymyakon روسیه به عنوان سردترین شهرک مسکونی دائمی جهان شناخته شد که دمای آن به زیر ۹۱ درجه سانتیگراد و میانگین دمای آن در ماه ژانویه به منفی ۵۰ درجه سانتیگراد می رسد. (منبع: از ویکی پدیا، دانشنامه آزاد)

فلان قاشق بخور و اگر این گونه شدی فوراً بیا اینجا و ... من خوب شدم، خیلی سریع؛ و از آن روز به بعد، برای هر کاری شدم همان بهیار.

باز موبایلم زنگ خورد.

و آه ای ... آمدم ...

راه خانه تا مدرسه دراز نبود؛ اما ما به عنوان آخرین نفر از مدعوین رسیدیم.

خانم معلم پس از خیرمقدمی ساختار شکنانه و منظوم، از من خواست تا به عنوان کارشناس تعلیم و تربیت، مدرس و مسئول اجرای برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی در معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، در چند دقیقه، داستان تغییر شکل و شمایل کارنامه‌ها را برای حاضران شرح دهم. بعد از این دعوت بی مقدمه، کمی جا خوردم. در چند دقیقه به چه مهماتی می توانم اشاره کنم؟ تا مقابل کلاس قرار گرفتم، گوشی موبایل متفاوتی در دست یکی از اولیا، نظرم را جلب کرد. خواهش کردم که بلند شود و بگوید، کی این گوشی را خریده است؟ چرا این گوشی را انتخاب کرده است؟ چرا ... در پاسخ هایش، اشاره‌ای خوبی را یافتم:

« من وقتی هزینه می کنم، سعی دارم آنچه را می خرم، آپشن روز را دارا باشد؛ چراکه در آن، آخرین انتظارات بشری نهفته است. با نیازهای مشتری، محصولی بیشتری دارد، و ... »

خلاصه آنچه او گفت، مقوله بحث پنددقیقه‌ای خود کردم و ادامه دادم ... آن وقت آیا نباید انتظار داشته باشیم آنچه به نام تعلیم و تربیت، اتفاق می افتد متناسب با شرایط روز باشد؟ نباید متناسب با نیازهای و خواسته‌ها و انتظارات مشتری‌های نظام آموزشی باشد؟ امروزه یادگیرنده، تعریف تازه‌ای دارد. در شرایط فعلی از ارزشیابی کیفی فهم جدیدی دنبال می شود، لذا همین طور از گزارش پیشرفت تحصیلی نیز باید انتظار داشت، آنچه به ذیفعان ارائه می دهد با آنچه کارنامه‌های هشتاد سال قبل ارائه می دادند تفاوتی کرده باشد. اگر پدر یا مادر خواست به فرزندش که در درسی افت تحصیلی دارد، کمک کند، انتظار این است که او بداند تکلیفش چیست؟ حتی اگر فرزندش در درسی «خیلی خوب» شده باشد، باید بداند جغرافیای یادگیری فرزندش، در سطح خیلی خوب کجاست؟ چه کیفیتی دارد؟ چه چیزی را در این سطح یاد گرفته است؟ و برای بسط دانش‌ها و مهارت‌ها، چه اقداماتی بایسته است تا او به انجام برساند. اگر «قابل قبول» است چه قوت‌هایی داشته و چه اهدافی را محقق نکرده است و معلم برای درک عمیق‌تر و بهتر یادگیری، برآن اصلاح یادگیری او چه توصیه‌هایی دارد ... بنابراین در ارزشیابی کیفی - توصیفی، به یادگیری و سلامت یادگیری باید توجه بیشتری داشت، بیش از هر چیز دیگری، اهمیت داده می شود. در نتیجه همین هدف را نیز در کارنامه دنبال باید کرد. و ...

حرفم تمام شد. هیچ کس هیچ حرفی نزد. خانم معلم فرم «الف» گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی را به اولیا داد و خواست تا وضعیت عملکرد فرزندشان را در هر درس، مطالعه کنند و اگر پرسشی یا راهنمایی نیاز دارند، مطرح نمایند. برای اولین بار بود هنگام ارائه گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی، در دانش آموزان و اولیا، آرامش خاصی مشاهده می کردم. علت این آرامش به معلم بر می گشت. او مثل مشاوره‌ای که با زیرکی، ضمن تشخیص مشکلات مراجعین خود، از دریچه‌ی نیازها و دوست داشتنی‌های آن‌ها، آگاهانه و عالمانه، ضمن بیان قوت‌ها و اشاره به ضعف‌ها، توصیه‌های لازم را با زبان و معماری جملاتی گویا، روان، ساده و قابل فهم و درک، تحویل گوش‌هایی آماده برای شنیدن و چشم‌هایی برای دیدن، داده باشد. هنر و مهارت معلمی خود را، در آیینی فرم الف گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی (کارنامه)، بازتابانیده و همه والدین و دانش آموزان را غافلگیر کرده بود. صحنه‌ی زیبایی بود، هریک در گوشه‌ای آنچه را معلم توصیف کرده بود، می خواندند و با فرزندشان در میان می گذاشتند و ... راستی دست‌یابی به رؤیاها، چه کیفی دارد.

بهمن قره داغی

تهران: دی ماه ۱۳۹۴

بزرگترین هدف آموزش و پرورش،
دانش آموزی نیست،
بلکه کنش آموزی است^۱

مقدمه

در طول سال‌های اجرای برنامه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی، بارها و بارها خواننده و شنیده‌اید که ارزشیابی کیفی - توصیفی، شیوه‌ای از ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی است که اطلاعات لازم، معتبر و مستند را برای شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ی فراگیران، در ابعاد مختلف یادگیری، با استفاده از روش‌های ابزارهای مناسب سنجش، همانند آزمون‌ها (به‌ویژه آزمون‌های عملکردی) پوشه کار، مشاهدات در حول فرایند یادگیری، یادگیری، فراهم می‌نماید تا بر اساس تحلیل آن‌ها، بازخوردهای کیفی موردنیاز، برای کمک به یادگیری بهتر، در فضای روانی - عاطفی مطلوب‌تر و در جهت رسیدن به سطحی از شایستگی، ارائه گردد^۲.

نیک می‌دانید که هدف نهایی و غایی این شیوه از ارزشیابی، توان بخشی و مهارت دهی به دانش‌آموزان است تا آن‌ها، مهارت خود ارزشیابی کردن را، در محیطی فعال، پویا، شاد و پر از نشاط و بالندگی، بیاموزند. در این میان، وظیفه‌ی نظام آموزشی، ایجاد مسئله و فراهم‌سازی موقعیت‌های مطلوب او است؛ و وظیفه‌ی معلم نیز، همراهی و هم‌سفری آگاهانه با مسافر یادگیری (یادگیرنده)، به‌منظور تسهیل شرایط یادگیری، برای یادگیرنده است. بی‌شک در این مسیر، «شدن» و «رسیدن»، هر جا دانش‌آموز، نیازمند یاری بخشی معلم باشد، کانال ارتباط با معلم و یاری‌گیری همواره از آن، از نوردهای توصیفی خواهد بود. بازخورد توصیفی، جان جاری یادگیری است، که دانش‌آموز با تکیه بر آن، گام بعدی یادگیری خود را، مشخص می‌نماید. بازخورد، حلقه‌ی پیوند ارزشیابی و یادگیری است. شکلی از این بازخورد، از منظر زمان ارائه، «فرایندی» و شکل دیگرش، «پایانی» است. معلم با استفاده از «بازخورد پایانی»، جایگاه و موقعیت یادگیرنده یا به عبارتی جغرافیای یادگیری یادگیرنده را، در دستیابی به اهداف درس و پایه، در دو یا سه بازه زمانی^۳، یعنی در طول سال و پایان سال و در قالب دو نمون برگ گزارش پیشرفت تحصیلی و تربیتی (الف) و کارنامه تحصیلی دانش‌آموز (ب)، نمایان می‌گرداند؛ بدین معنی که معلم وظیفه دارد، دانش‌آموز و خانواده‌اش را در بهمن‌ماه یا خردادماه و گاه شهریورماه هر سال تحصیلی، از نتیجه‌ی عملکرد تحصیلی - تربیتی، یعنی میزان تحقق هدف‌های آموزشی، همان اهدافی که در هر ماده درسی، توسط مؤلفان و دست‌اندرکاران تألیف کتاب‌های درسی، تعیین شده است، آگاه گرداند؛ و البته منظور از این آگاهی نیز، نمایاندن نقاط ضعف و هیاهو بر سر نرسیدن‌ها نیست، که منظور اصلی از «بازخورد پایانی» در هر نوبت، ضمن اطلاع‌رسانی از عملکرد دانش‌آموز، افزایش مشارکت والدین در فرایند

۱. هربرت اسپنسر

۲. قره داغی، بهمن (۱۳۹۴). سفر تا بیست ارزشیابی برای یادگیری. ص ۹۰

۳. مطابق با ماده سه آیین‌نامه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی - تربیتی دوره ابتدایی و تبصره همین ماده. به فصل چهارم همین کتاب مراجعه فرمایید.

ارزشیابی، کمک به یادگیرنده در کسب شایستگی‌ها و حمایت‌های آموزشی- تربیتی تکمیلی است. و از نگاهی دیگر، «بازخورد پایانی» که بازتاباننده‌ی نهایی نتایج داوری‌های معلم است، به دانش‌آموز مطابق با آیین‌نامه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی - تربیتی، اجازه ارتقا یا عدم ارتقا (تکرار پایه / مردودی) به پایه بالاتر داده خواهد شد. از آنجاکه در ارزشیابی کیفی - توصیفی، بیشتر اطلاعات جمع‌آوری شده و شواهد موجود، به شکل کیفی^۱ است، در نتیجه نمی‌توان و اصولاً صحیح نمی‌باشد که در خصوص عملکرد دانش‌آموز، به شیوه‌ی سنتی و عادت‌ی دیرین، قضاوت نمود، بر این اساس، از داوری نهایی تحت عنوان «بازخورد پایانی» نام می‌بریم که البته، عملی بسیار سخت و پیچیده است؛ چراکه انتظار است معلم در خصوص میزان و چگونگی دستیابی به اهداف و انتظارات آموزشی، با استناد به شواهد موجود، هم داوری نهایی نماید و هم باید، چرایی داوری خود را، ضمن اینکه توصیف و تبیین می‌کند، باید توصیه‌ها و رهنمودهای لازم را، برای جبران و رفع ضعف‌های یادگیری یادگیرنده، ارائه دهد.

در «بازخورد پایانی»، دیگر مثل گذشته، نه تنها معلم نتیجه‌ی داوری خود را با مقیاس‌های فاصله‌ای ۰ تا ۲۰ ارائه نمی‌دهد که حتی از مقیاس‌های تئیی (رتبه‌ای) خیلی خوب، خوب، قابل قبول، نیاز به تلاش و آموزش بیشتر و مجدد نیز به تنهایی استفاده نمی‌کند، بلکه با بررسی و تحلیل مستندات و تفسیر آنها، سطحی از دستیابی به هدف را برای یادگیرنده، تعیین و سپس آن سطح را شفاف، روشن و برپا می‌نماید.

توصیف‌ها در تعمیق، توسعه و اصلاح یادگیری یادگیرنده، بسیار مهم و اساسی می‌باشند. برای درک و اهمیت این موضوع، اشاره به نتایج پژوهشی در انگلستان و فرانسه، حاکی از غایب نخواهد بود.^۲

در سال‌های اخیر، در سراسر دنیا برای حرکت از نظام نمره‌ای ABCD به نظام کیفی، به پشتوانه تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری، گام‌های بلندی برداشته شده است، یکی از آنها این است که از معتبرترین پژوهش‌هاست، متعلق به کشور انگلستان است. در این پژوهش، سی‌وشش معلم انتخاب شدند و آموزش‌دهنده دوازده معلم ریاضی، دوازده معلم علوم و دوازده معلم ادبیات. برنامه‌ی کار به این صورت طراحی شده بود که هر معلم باید، سه کلاس را در موضوع موردنظر، به یک شیوه معین تدریس می‌کرد، اما در ارائه‌ی بازخوردهایی که به برگه‌های آزمون دانش‌آموزان می‌داد، باید به سه شیوه زیر عمل می‌کرد:

۱. به دانش‌آموزان به همان روال معمول سنتی تنها نمره می‌داد.
۲. نمره می‌داد؛ اما توصیه‌هایی برای بهبود کار نیز ارائه می‌داد.
۳. در برگه‌ی دانش‌آموز، به تنهایی توصیه‌هایی به شکل کتبی یا شفاهی می‌داد.

این کار هیجده ماه ادامه داشت. در نهایت همه‌ی دانش‌آموزان در امتحانات نهایی که، مقابل ر خارج از مدرسه می‌آمد (همان امتحانات به شیوه کمی) شرکت کردند. حاصل کار، آنچه اتفاق افتاد و پژوهشگران را نیز متعجب کرد این بود که: در پرسش‌های حافظه‌ای و سطح پایین، تفاوت معناداری بین این گروه‌ها نبود، ولی در پرسش‌های تفکری و سطوح بالا، عملکرد گروهی که اعضای آن فقط توصیه دریافت کرده بودند، بسیار بهتر از گروه دیگر بود. جالب اینکه عملکرد دانش‌آموزانی که نمره و توصیه را باهم گرفته بودند، به گروه اول (کسانی که فقط نمره گرفته بودند) نزدیک بود. به عبارت بهتر، وجود نمره، توصیه را بی‌اثر کرده بود.^۳ این تحقیق اهمیت و تأثیر بازخورد توصیفی را به درستی بازنماید.

همچنین در تحقیقی دیگر که توسط وزارت آموزش و پرورش فرانسه به عمل آمد، نشان داد که در امتحانات نهایی سال ۲۰۱۴، دانش‌آموزانی که به شکل نمره‌ای، بازخورد دریافت نموده‌اند، آمار موفقیت آن‌ها، معادل ۷۰ درصد بوده است؛ در مقابل، در همین امتحانات، آمار موفقیت دانش‌آموزانی که در فرایند آموزش، به جای نمره، بازخورد توصیفی دریافت نموده بودند، معادل

۱. به باور پاتون (Patton ۲۰۰۱) اصول اساسی ارزشیابی کیفی عبارتند از: (۱) هر فرد یا اجتماعی، بی نظیر است. (۲) هر فرد یا اجتماعی شایسته احترام است. (۳) مردم و جوامع را می‌بایست در درون یافت و بطور کل نگرانه ای درک کرد. (۴) فرایند (چگونگی انجام امور) به اندازه نتیجه (آنچه حاصل می‌شود) مهم است. (۵) اطلاعات باید به صورت آزادانه و در یک فضای ساز توزیع شده و صادقانه مبادله گردد

۲. قره داغی، بهمن (۱۳۹۴). صفر تا بیست ارزشیابی برای یادگیری. ص ۴۱۰.

۳. رشد معلم، دوره ۳۳، شماره ۷، فروردین ۹۴، ص ۱۰.

۹۰ درصد بوده است.

در تحقیقی دیگر نیز در همان سال انجام گرفت، ضمن تأیید نتیجه‌ی تحقیق فوق‌الذکر، نشان داد زمانی که فشار کسب نمره از روی دوش دانش‌آموزان برداشته می‌شود، مشکلات درسی دانش‌آموزان ضعیف تا ۳۴ درصد کاهش پیدا می‌کند. این تحقیقات و بسیاری تجربه‌های دیگر، تأکید دارند که معلم در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، باید به دنبال بازخوردی باشد که دانش‌آموز را یک گام به‌پیش برد و او را به اهداف و انگاره‌های مطلوب معین‌شده، نزدیک گرداند؛ که البته ارائه‌ی بازخورد مؤثر و تعیین مرحله بعدی یادگیری دانش‌آموز، عملی ساده و سهل نیست که خود یکی از مهم‌ترین مهارت‌های شغل معلمی است. لذا برای رسیدن معلم به این سطح از مهارت، آموزش و توان‌بخشی مهارتی - شغلی، بایسته‌ای انکارناشدنی است. نگارنده امیدوار است که این اثر، بتواند معلم را در دست‌یابی به این مهم، یاری گر باشد. لذا در تألیف آن زبان ساده و قابل کاربست و معماری جملاتی قابل‌درک و دریافت و مثال‌های گوناگون مدنظر بوده و شکل نهایی آن در چهارفصل به شرح زیر ارائه‌شده است:

□ در فصل نخست، مبانی بازخورد، پایانی موارد زیر را خواهید خواند:

— بازخورد چیست و چه جایگاهی در نظریه‌های یادگیری دارد؟

— بازخورد در نظریه‌های یادگیری رفتارگرایی

— مخاطب بازخورد پایانی؟ ۲۲

— ویژگی‌های توصیف عملکرد در بازخورد پایانی (م. الف.)

— پیش‌نیازهای اصلی بازخورد پایانی

□ موضوع فصل دوم عبارت است از راهنمای تکمیل نمونه‌های (الف) و (ب) که البته اساس و علت پیدایی این کتاب نیز بوده است. در این فصل تلاش شده با زبانی ساده و مثال‌های بسیر و الگوهای فراوان و باهدف یاری‌گری و تسهیل تکمیل گزارش پیشرفت تحصیلی، مطالب موردنظر ارائه گردد.

□ فصل سوم برای درک عمیق‌تر و تکمیل آگاهانه‌تر و بازنمایاندن رامرفته، بخشی از نمونه‌های تکمیل‌شده فرم الف همکاران، در خرداد سال ۹۴ ارائه و تحلیل و تبیین شده است؛ ضمن اینکه برای آشنایی بیشتر معلمان با وضعیت گزارش پیشرفت تحصیلی (کارنامه) چند نمونه از کارنامه‌های مدارس سایر کشورها نیز ارائه شده است.

□ در نهایت، در فصل چهارم، آخرین قوانین و مقررات مربوط به تکمیل گزارش پیشرفت تحصیلی که شامل بخشنامه‌ها و آیین‌نامه ارزشیابی کیفی - توصیفی می‌باشد، ارائه‌شده است.

به مصداق مثل معروف «یکدست صدا ندارد» لازم است بیان گردد که بی‌تردید فصل دوم این کتاب شکل نمی‌گرفت، که اگر نبود یاریگری‌های عاشقانه و عالمانه سرکار خانم مریم روزبهانی و همکاران خوب ایشان در اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، از این روی بایسته است از دهش ماندگارشان، نهایت تشکر و سپاس ویژه را داشته باشم، امیدوارم خدای به‌بخشنده‌ی، سلامتی و عشق به ساختن و آبادانی را در جانشان، همواره جوان نگاه دارد.

همچنین از یاریگری همکاران، مدرسان و مبلغان فهیم و فرهیخته برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی:

سرکار خانم درحمانندی، مدرس محترم کشوری ارزشیابی کیفی - توصیفی شهرستان‌های استان تهران؛

سرکار خانم مریم مولانسان، مدرس محترم کشوری ارزشیابی کیفی - توصیفی شهر تهران؛

سرکار خانم معصومه رفعت پناه مدرس محترم کشوری ارزشیابی کیفی - توصیفی استان مرکزی؛
 سرکار خانم ناهید مصدق زاده، مدرس محترم کشوری ارزشیابی کیفی - توصیفی استان بوشهر؛
 جناب آقای رجیعی باقری، همکار محترم آموزش و پرورش شهرستان گرمه، استان خراسان شمالی؛
 سرکار خانم زهره سرو، همکار محترم آموزش و پرورش شهرستان شهریار؛
 سرکار خانم سیده معصومه خاتمی، همکار محترم آموزش و پرورش منطقه ۹ تهران؛
 سرکار خانم فاطمه معبودی، همکار محترم آموزش و پرورش ناحیه ۱ کرج؛
 جناب آقای فیروز پور عالی، همکار محترم آموزش و پرورش ناحیه ۴ کرج؛
 سرکار خانم فروغ مزارعی، همکار محترم آموزش و پرورش منطقه ۱۱ تهران؛
 جناب آقای قاسم فرج الهی، همکار محترم اداره آموزش و پرورش شهرستان بیجار، استان کردستان؛
 سرکار خانم مریم کریم نژاد، همکار محترم آموزش و پرورش منطقه ۳ تبریز؛
 سرکار خانم منصوره کشور، همکار محترم اداره آموزش و پرورش منطقه ۹ تهران؛
 سرکار خانم نازیلا اخوانی، همکار محترم اداره کل آموزش و پرورش پاکدشت؛
 سرکار خانم ناهید پاشایی راد، همکار محترم آموزش و پرورش منطقه ۷ تهران؛
 به خاطر ارسال نمونه‌هایی از فرم ارزشیابی تکمیل شده همکاران معلم محل خدمتی خود؛
 از جناب آقای فرامرز امیدوار، مدرس محترم کشوری ارزشیابی کیفی - توصیفی استان فارس، به خاطر ارسال بیش از ۵۰ نمونه
 کارنامه‌های دانش‌آموزان مدارس سایر کشورها؛
 از سرکار خانم زهرا بحری به خاطر یاری‌گری‌هایش در تهیه کارنامه‌های دانش‌آموزان مدارس سایر کشورها؛
 و در نهایت از دوستان و همراهان فرهیخته‌ام جناب آقای دکتر روح‌اله تیموری و جناب آقای دکتر نادر جهان‌آرای و جناب آقای
 دکتر کیومرث امجدیان به خاطر توان بخشی ماندگارشان در جمع‌آوری و تحلیل آمار و اطلاعات مردودی‌های پایه اول ابتدایی و
 دیگر دوستانی که در این لحظه نامشان و یاریگری‌هایشان را به من ندارم، به ویژه گروه زنده اندیشی (تلگرام)، نهایت تقدیر
 و تشکر و سپاس را دارم.
 باشد خدای به همه‌ی این چراغ‌داران دانایی، راهبران روشنایی و همراهان همه‌ی من که برای شکفتن و ساختن، آستین عشق
 بالا زده و همت عاشقانه در پیش گرفته‌اند، تندرستی و شادمانی مانا، عطا فرماید.